

شو خطر کن! - صفحه ۵۳

#تاریخ_ادبیات:

حنظله بادغیسی: صفحه ۱۴۹ / نظامی عروضی سمرقندی: صفحه ۱۵۳ کتاب درسی

#معنای_لغات:

امیر: فرمانروا / بی چیز: ندار / شغل پست: کار بی ارزش / چون افتادی: چگونه رسیدی / دیوان: کتاب شعر / بدین: به این / مهتری: بزرگی، سروری / کام: دهان / شو: برو / خطر کن: خطر پذیر باش؛ کار اقدام به کار خطر ناک کن (خودت را برای موفق شدن به خطر بینداز) / عز: عزت، ارجمندی / جاه: مقام و منزلت، جایگاه ویژه / چو: مانند / رویاروی: روبرو شدن / داعیه: انگیزه، علت / باطن: درون / دارایی: ثروت و مال / رحلت: ترک کردن، سفر کردن / شوکت = شکوه: عظمت و بزرگی / ترقی: پیشرفت / جمله: همه، همگی / اصل: حقیقت / سبب: علت

#معنای_عبارت:

از فرمانروای خراسان پرسیدند: تو که فردی فقیر و ندار بودی و کار بی ارزشی داشتی، چگونه به پادشاهی خراسان رسیدی؟ گفت: روزی کتاب اشعار «حنظله ی بادغیسی» را می خواندم که به این دو بیت رسیدم:

بیت اول: اگر بزرگی و سروری در دهان شیر هم باشد، برو خودت را به خطر بینداز و آن را از دهان شیر بیرون بیاور.

بیت دوم: یا به بزرگی و ارجمندی و ثروت و مقام می رسی یا اینکه مانند مردان بزرگ، با مرگ رو به رو می شوی.

انگیزه ای در دلم پیدا شد که اصلاً نتوانستم به وضعیتی که داشتم، راضی باشم. تمام ثروتم را فروختم و اسبی خریدم و از سرزمین خود سفر کردم. به حکومت صفاریان پیوستم. روز به روز به عظمت و مقام و نیروهای سپاه من اضافه میشد و کم کم در کارهایم پیشرفت کردم تا اینکه همه ی خراسان را تحت فرمان خود قرار دادم. حقیقت و علت این موفقیت، این دو بیت بود.

#آرایه های ادبی:

ز کام شیر بجوی: کنایه از انجام دادن کار خطرناک و دشوار / بزرگی و عز و نعمت و جاه: تناسب / چو مردانت: تشبیه / شکوه و شوکت: تناسب / کار من بالا گرفت: کنایه از پیشرفت کردم / خراسان: مجاز از مردم / به فرمان خویش در آوردم: کنایه از تبعیت و پیروی (مطیع من شدند)

#تکات_دستوری:

امیر خراسان را: از امیر خراسان ← را: حرف اضافه / همی خواندم: می خواندم ← ماضی استمراری / به کام شیر در: ویژگی سبک خراسانی / یا بزرگی و عز و نعمت و جاه (به دست می آوری): حذف فعل به قرینه ی معنوی / یا چو مردانت با مرگ رویاروی (می شوی): حذف فعل به قرینه ی معنوی / در آن حالت که اندر: ویژگی سبک خراسانی

* ویژگی سبک خراسانی: استفاده ی دو حرف اضافه برای یک متمم